

فرصتی تاریخی برای بازسازی سرمایه اجتماعی

مصطفی منتظر
پژوهشگر

شهادت رئیس جمهور عزیز، فرصتی تاریخی برای بازسازی اعتماد عمومی به نظام حکمرانی را ایجاد کرده است. فرصتی که باید به بهترین وجه مورد استفاده قرار گیرد تا همان طوره که حاجت الاسلام والمسلمین رئیسی به کشور و انقلاب خدمت کرد، «شهید رئیسی» هم خدمت کند. مساله سرمایه اجتماعی یکی از عمیق ترین مسائل این کشور بوده و هست که یکی از ابعاد آن، اعتماد عمومی مردم به مسئولان کشور است. متأسفانه بازی قدرت در کشور و وجود برخی مسئولان ناکارآمد و خلاف واقع‌گو باعث شده تا این اعتماد عامه مردم به مسئولان خدشه دار شود. حتی شهید رئیسی نیز نتوانست با تمام اقدامات مردمی و عمومی اش، این مشکل را به صورت عمیق حل کند. فهم عمومی مردم که در این سال‌ها شکل گرفته، وجود مسئولان فردگرا، منفعت طلب، قبیله‌گرا و بسیاری صفات منفی دیگر است که به دنبال هر چیزی هستند الا منافع عمومی مردم و کشور. ریشه این فهم، کشش اشتباه برخی مسئولان سابق، برخی اخبار از فسادهای سیاسی و اقتصادی و البته تصویرسازی شبکه‌های معاند است. در دولت آقای روحانی بارها نسبت به این خطر اساسی هشدار داده شده بود اما متأسفانه نه ایشان و نه دولت‌های هیچ اهنمایی نسبت به موضوع نداشتند. ته نشین شدن این تفکر آنقدر عمیق بود که هیچ کشنگری یاری مقابله با آن رانداشت و هر اقدام شهید رئیسی بارهم در همان چهارچوب تفسیر می شد. دقت کنید که ساده زبانی در زندگی، همنشینی با مردم هر شهر و روستا، تلاشی برای جلب نظر عموم مردم و... هم نتوانست این کلیشه را از بین ببرد. اما حالانفاتی رخ داده که هیچ فردی نمی تواند آن را در چهارچوب مذکور تفسیر کند. رئیس جمهور کشور در یک سفر استانی به شهادت رسیده است. او خالصانه برای خدمت هرچه توانسته انجام داده و در این مسیر جانش را هم فدا کرده، پس دیگر نمی توان این را تفسیر به ریا و ظاهر سازی و هر صفت منفی دیگری کرد. خون، نماد صدق اوست و جایی برای تفسیر نمی گذارد. اینجاست که تازه ظرفیت شهید رئیسی ظاهر می شود. ظرفیتی که برای بازسازی اعتماد عمومی به مسئولان جمهوری اسلامی و نهاد روحانیت انقلابی نمایان می شود. تفاوت او با شهید سلیمانی این است که او یک روحانی سید و مسئول عالی در جمهوری اسلامی بود. ترکیب مسئولیت و روحانیت، همان چیزی است که دشمنان و براندازان سال‌هاست برای نابودی تصویر مطلوبش در اذهان و افکار عمومی تلاش می کنند. و حالا این تصویر با ریخته شدن خون و فدا کردن جان دوباره امکان بازسازی و بازنمایی دارد. اینجاست که باید تصویر شهید رئیسی را از قالب «یک مسئول شهید شده» به تصویر مسئول عالی جمهوری اسلامی تبدیل کرد. هرگونه حرکت به سمت اینکه بگوییم «او یک مورد منحصربه فرد بود و شهید شد» به معنای سوزاندن ظرفیت شهید رئیسی است. اینجاست که باید وجهه جمهوری اسلامی و مسئولان ارشد آن را بهبود ببخشیم.

ادامه در صفحه ۲

تشییع میلیونی و احیای امر ملی

سید جواد تقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

بعد از شهادت دکتر سید ابراهیم رئیسی یعنی در فضای نخبگانی شکل گرفت که آیا آن بخشی از جامعه که بی تفاوت به این خبر هستند، به نوعی شکست ما را در احیای امر ملی شکل داده است؟ پاسخ‌هایی به پرسش گفته شده طرح شد. از جمله امر ملی با امر همگانی تفاوت دارد و امر ملی نوعی اخلاقی زیستن است. اکنون که جمعیت وسیعی در مراسم ایشان در تبریز تهران شرکت کرده‌اند، شاید بسیاری بگویند این شکل خود نوعی احیای امر ملی است. اما به نظر می رسد دعوا بر سر امر ملی و احیایکننده آن یعنی بسیار پر دامنه است و با بی تفاوتی بخشی از جامعه یا حضور میلیونی جمعیتی در مراسم رئیس جمهور نمی توان به شکل گیری با عدم آن پی برد و زود قضاوت کرد.

مساله احیای امر ملی به شدت بحث سخت و پیچیده‌ای است که نیاز به مقدماتی دارد. هنگامی که مقدمات اصلی فراهم نباشد بیشتر نوعی دعوای زبانی است. سوزان منتر، سیاست پژوه دانشگاه کرنل در کتاب آخر خود درباره چرایی جدایی دولت و شهروند یعنی را ارائه کرده که به نظر می رسد همان مقدمه‌ای است که در باب امر ملی هیچ‌گاه به آن توجه نشده است. وی با جمله ریگان کتاب را شروع می کند که دولت حل کننده مشکل نیست و خود اصل مشکل است. منتر معتقد است این جمله به نوعی مشکل و بحران وضع جهانی است. هر چند حوزه تحقیقات او بیشتر آمریکاست اما پرسش اصلی اش امروز کل جهان را فرا گرفته است. منتر می گوید هنگامی که از مردم یک جامعه پرسش می شود آیا د خالت دولت امر خوبی است یا باید دست دولت را کوتاه کرد، جوامع بیشتر به کوتاه می کنند. به طور مثال بحث مالیات و بودجه بریزی در کشور همیشه به این صورت بوده است، یعنی جامعه از سویی بیشترین درخواست را از نهاد دولت دارد و از سویی دیگر دوست دارد کمترین دخالت را در زیستن انسان‌ها داشته باشد. اما پرسش کلیدی شاید این گونه بیان شود که چرا با این پارادوکس روبه روبرو شده‌ایم؟

ادامه در صفحه ۲

فرار از حیرت؛ افق گشایی برای جمهور

سید محمد امامی
دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور

همان طور که پیش تر از این نوشتیم، نباید گذاشت اهمیت و عظمت عروج ملکوتی رئیس جمهور فقید فراموش شود. این داغ ملی می تواند گذار ما از رنج و تحمل یک ظرفیت بزرگ تر را محقق کند. قصه مردم و دولت با همان سرمایه اجتماعی دولت در جمهوری اسلامی ایران در دهه گذشته به بغرنج ترین شرایط خود رسید. کار به آنجا کشید که رسمی ترین و متمرکزترین نهاد تعین مردم سالاری یعنی انتخابات، از سوی بسیاری طیف های سیاسی اجتماعی طرد و حتی برخی وفاداران و نادانان هسته سخت نظام، سودای عبور از آن را داشتند. مردم اما مهم ترین پرسش در تاریخ ارتباطات سیاسی اند. در جامعه ایران مانند هر جامعه دیگر ساخت و تزیینات طبقاتی، مزلتی و فرهنگی گوناگونی در تعامل با نخبگان سیاسی و منابع ملموس قدرت، ماهیت نرم اراده ملی را می سازند. میزان مشارکت در انتخابات هر چند مهم ترین ظهور مشارکت و وزیرین سلامت سیاسی جامعه است اما متناظر (تناظر یک به یک) با منویات و اراده ملی نیست. در شرایطی که بین گزینه های انتخاب در عرصه سیاست ملی با انتخاب کنندگان، دیالوگ و تراکنش سازنده ای نیست، درجه بالا و پایین مشارکت، چندان بر کیفیت امر سیاسی موثر نیست، شاید به همین دلیل بود که برخی فیلسوفان سیاسی غرب ایده دموکراسی مشارکتی (مک فرسون) یا آزادی مثبت (آیزایا برلین) را مطرح کردند. فرض استوار من این است که کشش و منش مرحوم آیت الله رئیسی به واقع ذیل دکتترین و گفتنمان امامین انقلاب اسلامی شکل یافته بود. رئیس جمهور فقید تعین و تحقق میدانی مردم سالاری دینی و موفق در تالئم نهادهای انتصابی و انتخابی در ساخت قدرت بود. اگر این فرض را بپذیریم، مسمای تعبیر «شهید جمهور»، بیشتر منکشف می شود. شهید آیت الله رئیسی فراتر از بردارهای معیوب امر سیاسی در کشور، بر اساس ایمان به خدا و مردم و عمل بر اساس آن در سال های گذشته حرکت کرد. اخلاص و سخنگوشی او فراتر از دالان های مهندسی افکار و ماری پیج های فاهمه ملی، عمل کرد و فراتر از تحلیل همه ما مدعیان افکار عمومی، با بدنه طبقات مختلف اجتماعی خصوصاً زحمت کشان و فرودستان ارتباط گرفت. البته طبقه متوسط به نسبت سخت ترین طبقه اجتماعی در ایران امروز است که آن هم متأثر از نوسان روانی این شهادت بزرگ، در حال تجدید نظرهایی شناختی است. دولت سیزدهم علی رغم همه مجاهدت ها، هنوز نتوانسته بود آزرده اساسی اش و چرخش تحولی اش در زندگی شهری طبقه متوسط را به نمایش بگذارد لکن شخص رئیس جمهور فقید و اخلاق و اخلاص وی، به کمک کشش و کارنامه آن رسید. مولدان دهه ۷۰ به بعد، عمدتاً از شناخت شخصیت های بزرگ سیاسی در حد رئیس جمهور و وزیر که تراز و نصاب انقلاب اسلامی را داشته باشند، محروم بوده اند.

ادامه در صفحه ۲

ساخت سیاسی و اجتماعی ایران از آزمون سخت فقدان
رئیس جمهور اخلاق مداری مانند «سید ابراهیم رئیسی» سر بلند بیرون آمد

زنده باد سید ابراهیم رئیس جمهور اجتماعی ایران

هواپیماهای دیپلمات ها بی جهت به ایران نیامدند

انزوای اقتصاد ایران توهم بود

صفحه ۱۶

ترجمه دیپلماتیک هفته ای که گذشت

قدرت ایران

صفحه ۸۵

